

# مبانی حکومت اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)

فضل اله خالقیان



است که در میانه بشر قانون و حکومت لازم است و عائله بشر نیازمند به تشکیلات و نظامنامه ها و ولایت و حکومت‌های اساسی است.

کشف الاسرار - گفتار سوم

به نظر می‌رسد مراد از عقل در فرمایش امام که لزوم حکومت از احکام روشن آن تلقی شده است همان عقل عملی است که بر پایه یک دسته از واقعیات و حقایق، مصالح و مفاسدی را تشخیص داده و بر اساس آن «بایدها» و «نبایدها» را وضع می‌نماید و حکم به لزوم برخی امور و نفی برخی دیگر می‌نماید. بدیهی است برای انسانی که به صورت مجتمع زندگی می‌کند و حیات او در گرو حیات جامعه است وجود حکومتی دادگر و تعالی جواز واجبات و الزامات عقلیه است.

## حق انحصاری خداوند

بطور طبیعی اداره هر حکومتی احتیاج به قوانینی دارد که مدار چرخش جامعه و مرز حقوق افراد و میزان ستاندن حقوق و احقاق حق را مشخص نماید. حال این پرسش اساسی فراروی ما قرار می‌گیرد که قانون خوب دارای چه اوصافی است و قانونگذاری حق کیست؟ «آیا بشر حق دارد برای خود قانون وضع کند یا نه؟ اگر دارد آیا اطاعت چنین قانونی واجب است یا نه؟ در صورت وجود اگر کسی تخلف کند سزایش چیست؟»

در پاسخ به این سؤال که قانون خوب چه قانونی است، اجمالاً می‌توان به عادلانه بودن آن اشاره نمود و اینکه حفظ نظام بشری و تعالی آن را دربرداشته باشد و بر اساس منافع شخصی یا گروهی عده‌ای از مردم وضع نشده باشد. این مضامین را می‌توان در تعابیر امام سراغ گرفت که پس از این نمونه‌هایی را عرضه خواهیم داشت. دقیقاً بر همین اساس حق قانونگذاری

امام خمینی رضوان الله علیه، بدون شک، بزرگترین شخصیت اسلامی در عصر اخیر می‌باشد و حرکت اصلاحی او - که رحمت خدا بر او باد - در مبارزه با نظام فاسد و پوسیده شاهنشاهی و برپایی انقلاب عظیم اسلامی بارزترین ثمره تلاش و مجاهدت مخلصانه آن بزرگ مرد است؛ انقلابی که به استقرار نظام جمهوری اسلامی و تحقق حکومت اسلامی منتهی شد. بر همه روشن است که جوهره حکومت اسلامی در اندیشه آن بزرگ، از نظریه ولایت فقیه مایه می‌گیرد و ارتزاق می‌کند، از اینرو او نه تنها در سیاست و اداره جامعه و رهبری انقلاب امام و مقتدا بود، بلکه او را باید «امام الفقه» در عصر حاضر دانست. اگر محی الدین بن عربی امام عرفان نظری شمرده می‌شود و تمام عارفان پس از او در کنار سفره او می‌نشینند و برمی‌خورند؛ و اگر صدرالحکماء و المتألهین، امام فلسفه و حکمت به شمار می‌آید و حکیمان پس از وی جمله وام‌دار او و رهبن اندیشه اویند؛ امام راحل نیز امام فقه در این زمان است و اندیشه حکومتی وی خط روشن و نورانی است که تمام مسلمانان پویا، جهان آگاه و خداوندیش را در مسیر اقامه جامعه فاضله اسلامی راهنمایی کرده و مدد می‌رساند.

در این و جیزه در پی آئیم که مبانی اندیشه امام در مقوله حکومت اسلامی را یادآوری و محصول این نوشته را مقدمه ای کوتاه برای طرح اندیشه امام با استفاده از آثار مکتوب ایشان قرار دهیم. آنچه در اینجا لازم به تذکر است اینکه در تنظیم این نوشتار از کتاب شریف «کشف الاسرار» که مرحوم امام در رد ترهات «اسرار هزار ساله» آن را پرداخته‌اند و نیز از ترجمه مبحث ولایت فقیه از «کتاب البیع» که به همت وزارت ارشاد اسلامی در سال ۱۳۶۵ منتشر شده است بهره گرفته و بدانها استناد می‌جوئیم.

## لزوم حکومت

اولین قدم در برپائی حکومت اسلامی، لزوم داشتن حکومت و نفی بی قانونی و هرج و مرج است. امام خمینی (ره) چنین مبثائی را از احکام غیر قابل تردید عقل می‌داند:

«از احکام روشن عقل که هیچکس انکار آن را نمی‌تواند بکند آن

نیز منحصرأ به خداوند تعلق خواهد داشت که هم به مصالح انسان علم دارد و هم در وضع قانون قصد و غرضی جز سعادت او برایش قابل فرض نیست.

«مقصود از اینکه بشر قانون وضع کند این است که یک نفر یا چند نفر از پیش خود یک قانونی وضع کنند و آنگاه بر افراد یک کشور واجب شود که به آن عمل کنند و اگر عمل نکنند عقل آنها را نکوهش کند و برای آنها جزائی قائل شود چنانچه قوانین کشورهای جهان از این قرار است؛ اگر مقصود این است این بر خلاف حکم روشن خرد است هیچکس نمی تواند بگوید که قانون یک نفر یا چند نفر بی جهت برای یک کشور لازم الاطاعة باشد بطوریکه به حکم عقل متخلف مجرم تشخیص داده شود. شما خود را از این عادات جاهلانۀ کشورهای جهان که همه اش بر اساس دیکتاتوری بنا نهاده شده گرچه اسم های دیگری مانند مشروطه و دموکراسی و کمونیست و سوسیالیست روی آنها گذاشته باشند بیرون کنید و آنگاه به حکم عقل خالی از عادات رجوع کنید ببینید حدود اختیار یک نفر انسان چیست؟ آیا جز تصرف در حدود دارائی خود و آنچه بطور مشروع بدست آورده می تواند باشد؟ انسان چنین اختیاری در قانون عقل دارد که در مال و جان یک توده دخالت و بر خلاف میل آنها دست درازی کند؟!»

کشف الاسرار - گفتار پنجم

یکی از نکات قابل توجهی که در بیانات امام به چشم می خورد، تنبیهی است که به «عقل خالی از عادت» داده اند. «عقل خالی از عادت» که می توانیم با تعبیر «لو خلی الانسان و طبعه» از آن یاد کنیم اشاره به مقام فطرت سلیم و حاق ذات آدمی است که با جبلت الهی سرشته و با صبغۀ ربوبی جلاء و جمال یافته است. آری اگر آدمی این جوهره ربانی و لطیفه ملکوتی را از گزند عادات و خرافات اوهام دور بدارد فی الواقع به مرتبه ای از مراتب انسان کامل متحقق شده است و در اینصورت تشخیص حق از باطل برای او آسان و تمیز صحیح از سقیم برای وی سهل خواهد بود، اما افسوس از اینکه بشر کنونی، بالخصوص در عصر حاضر بیش از پیش خود را در پس پرده رنگین خیالات محجوب و زیر فشار سیطره کمیت و تصویر سرنگون ساخته است. نکته دیگر آنکه امام با صراحت تمام و شجاعت کم نظیری که برآزنده امثال اوست در مقابل هجوم تبلیغاتی «ایسم» های زمان می ایستد و بی آنکه مرعوب آنها شود از احکام صریح عقل که انسان را به دین رهنمون می سازد و اسباب خوشبختی او را فراهم می نماید سخن می گوید؛ درسی که برای نسل جوان ما در مقابله و مواجهه با

مکاتب فکری زمان همواره سودمند خواهد بود:  
«از اینجاست که دانشمندان دیندار می گویند دین قانون بزرگ خدایی است که برای اداره کشورهای جهان و چرخاندن چرخهای زندگی آمده است و هر کس به آن عمل کند به سعادت دو جهان می رسد.»

کشف الاسرار - گفتار پنجم

«اسلام بنیانگذار حکومتی است که در آن نه شیوه استبداد حاکم است که آراء و تمایلات نفسانی یک تن را بر سر اسر جامعه تحمیل کند، و نه شیوه مشروطه و جمهوری که متکی بر قوانینی باشد که گروهی از افراد جامعه برای تمامی آن وضع می کنند، بلکه حکومت اسلامی، نظامی است ملهم و منبعث از وحی الهی که در تمام زمینه ها از قانون الهی مدد می گیرد، و هیچ یک از زمامداران و سرپرستان امور جامعه را حق استبداد رأی نیست.»

شؤون و اختیارات ولی فقیه، ترجمه مبحث ولایت فقیه

از کتاب «البیع»، ص ۲۱

در مورد ویژگیهای قانونگذار امام (ره) چنین می فرمایند:  
«قانونگذار باید کسی باشد که از نفع بردن و شهوت رانی و هواهای نفسانی و ستمکاری بر کنار باشد و درباره او احتمال اینگونه چیزها ندهیم و آن غیر خدای عادل نیست پس قانونگذار غیر خدا نباید باشد.»

کشف الاسرار - گفتار پنجم

اما همانطور که قانونگذاری به خداوند متعال منحصر است، حکومت نیز از غیر او روا نباشد. از آنجائیکه حکومت با تصرف در جان، مال و نوامیس مردم ملازم است بنابراین هر نوع حکومتی که از ناحیه پروردگار مأذون و مأمور نباشد از مصادیق طاغوت و متجاوز بوده و معنون به عنوان ظلم خواهد بود:

«آنچه عقل خدا داده حکم می کنند آن است که تأسیس حکومت بطوری که بر مردم به حکم خرد لازم باشد متابعت و پیروی از آن، از کسی روا و بجاست که مالک همه چیز مردم باشد و هر تصرفی در آنها بکند تصرف در مال خود باشد... خدای عالمست که مالک تمام موجودات و خالق ارض و سموات است... و اگر خدا به کسی حکومت داد و حکومت او را بتوسط گفته پیغمبران لازم الاطاعة دانست بر بشر نیز لازم است از آن اطاعت کنند.»

کشف الاسرار - گفتار سوم

امام (ره) در تأیید مطالب بالا خواننده را به آیاتی از قرآن که گواه مدعاست ارجاع می دهند. این آیات به حسب آنچه در کتاب کشف الاسرار آورده اند عبارتند از: سوره شریفه مائده ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۴۹ و ۵۰؛ که طالبان را به قرآن و تفاسیر ارجاع می دهیم.

اینکه از ناحیه امام مآذون و به تعبیر مشهور به نحو عام منصوب می شوند. در مورد اینکه چنین فردی کیست و چگونه انتخاب می شود، پس از این سخن خواهیم گفت. آنچه ذکر آن را در اینجا لازم می دانیم اینست که اصل «الهی بودن» علاوه بر قانون در مورد زمامداران نیز جاری است: «تمام برنامه هایی که در زمینه زمامداری جامعه و شؤون و

**\* امام راحل، امام فقه در این زمان است و اندیشه حکومتی وی خط روشن و نورانی است که تمام مسلمانان پویا، جهان آگاه و خدااندیش را در مسیر اقامه جامعه فاضله اسلامی راهنمایی کرده و مدد می رساند.**

**\* «تمام برنامه هایی که در زمینه زمامداری جامعه و شؤون و لوازم آن، جهت رفع نیازهای مردم به اجرا درمی آید، باید بر اساس قوانین الهی باشد. این اصل کلی حتی در مورد اطاعت از زمامداران و متصدیان امر حکومت نیز جاری و ساری است.»**

**\* «آنچه عقل خدا داده حکم می کند آن است که تأسیس حکومت بطوری که بر مردم به حکم خرد لازم باشد متابعت و پیروی از آن، از کسی روا و بجاست که مالک همه چیز مردم باشد... خدای عالمست که مالک تمام موجودات و خالق ارض و سموات است.»**

### سریع حاکم در حکومت اسلامی

حال که روشن شد وضع قانون و حکومت، به حکم خرد و دین، مخصوص خداوند متعال است و از طرفی این حکومت الهی به دست بندگان شایسته خداوند که در زمان پیامبر و امام علیهم السلام کسی جز ایشان نیست اجرا می شود باید دید در زمان غیبت امام معصوم (ع) تکلیف حکومت اسلامی چیست و رهبری جامعه اسلامی به دست چه کسی خواهد بود؟

چنانچه مشهود است دیدگاه اسلام - و بالتبع امام خمینی (ره) - یک دیدگاه خدامحورانه است؛ همانطور که خداوند متعال منشأ تکوین است مبدأ تشریح نیز می باشد. در این نگرش توحیدی زمامداران و حاکمان جامعه اسلامی نیز یا مستقیماً از جانب خداوند منصوب می شوند (پیامبر و امام) یا

لوازم آن، جهت رفع نیازهای مردم به اجرا درمی آید، باید بر اساس قوانین الهی باشد. این اصل کلی حتی در مورد اطاعت از زمامداران و متصدیان امر حکومت نیز جاری و ساری است.

شؤون و اختیارات ولی فقیه، ص ۲۱

حضرت امام در باب خصوصیات حاکم اسلامی، پس از اینکه احادیثی را در مورد لزوم حکومت اسلامی طرح و بررسی می کنند، چنین می فرمایند:

«چون حکومت اسلامی، حکومتی مبتنی بر قانون است، آن هم فقط قانون الهی، که برای احکام و بسط عدالت در سراسر جهان مقرر شده است، زمامدار این حکومت، ناگزیر باید دو صفت مهم را که اساس یک حکومت الهی است دارا باشد، و

ممکن نیست یک حکومت مبتنی بر قانون تحقق یابد مگر آنکه رهبر و زمامدار آن واجد این دو صفت باشد: ۱) علم به قانون؛ ۲) عدالت»

شوون و اختیارات ولی فقیه، ص ۳۰

بر همین اساس است که امام نظریه خویش را تحت عنوان «ولایت فقیه» پی می ریزد:

«بنابر آنچه گذشت، امر ولایت و سرپرستی امت به فقیه عادل» راجع است و اوست که شایسته رهبری مسلمانان است؛ چه حاکم اسلامی باید متصف به «فقه» و «عدالت» باشد. پس اقامه حکومت و تشکیل دولت اسلامی بر فقیهان عادل، واجب کفایی است.»

شوون و اختیارات ولی فقیه، ص ۳۳

مرحوم امام علاوه بر دلیل عقلی که شمه ای از آن در این نوشتار به میان آمد، ولایت فقیه را مستدل و مستند به روایات نیز می داند. در مبحث ولایت فقیه از کتاب «البیع» پنج حدیث را مطرح و مشروحاً در اطراف آن بحث می کنند. طالبان و خوانندگان برای توضیح بیشتر بدان رجوع کنند (شوون و اختیارات ولی فقیه، ص ۳۷ تا ص ۶۶). از جمله این احادیث حدیث شریفی است که در تحف العقول از قول علی علیه السلام نقل شده است: «مجارى الامور والاحکام على ایدی العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه.» امام در مورد این حدیث توضیحاتی دارند:

«گاهی گفته می شود که آغاز و انجام این روایت نشانگر آن است که مراد از «العلماء بالله» ائمه علیهم السلام هستند، در حالی که اگر اندکی در صدر و ذیل حدیث دقت کنید درمی یابید که این سخن متوجه زمان و مکان خاصی نیست، بلکه طرف سخن امام علیه السلام قاطبه علما در همه اعصار و بلاد است؛ و امام علیه السلام در این گفتار، آنان را برمی انگیزد تا به امر به معروف و نهی از منکر در مقابل ستمگران مبادرت ورزند، و آنان را به موجب ترک این دو واجب الهی - خواه به سبب طمع ورزیدن در اموال ظالمان و یا به جهت ترسیدن از آنان باشد - سرزنش می کند.»

شوون و اختیارات ولی فقیه

امام (ره) اشکالاتی را که در اطراف این حدیث شده از جمله اینکه مقصود از علماء بالله، منحصر ائمه علیهم السلام هستند یا اینکه «عالم بالله» باید مقامی بالاتر از مقام فقها داشته باشد پاسخ می دهد:

«اما اینکه در عبارت «العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه» لفظ ائمه نیامده بلکه از لفظ «العلماء» استفاده شده

است، شاید بدان جهت باشد که خواسته است حکم را به تمام علمای عادل، که نسبت به حلال و حرام خدا امانتدار و صادقند، تعمیم دهد. بلکه بهتر این است که بگوییم، دلالت این عنوان [= العلماء] بر اشخاصی غیر از امامان علیهم السلام مناسبتر و با ظاهر حدیث سازگارتر است، زیرا توصیف ائمه علیهم السلام با تعبیر «علماء» نیاز به قرینه دارد.»

شوون و اختیارات ولی فقیه، ص ۶۳ و ۶۴

«اشکال دیگر اینکه، برخی پنداشته اند «عالم بالله» باید مقامی بالاتر از مقام فقها داشته باشد، لذا در اینجا نمی توان قبول کرد که منظور فقها باشند.»

این اشکال نیز مردود است، زیرا مقصود از «عالم بالله» معنای فلسفی یا عرفانی آن نیست، چنان که در صدر روایت، از قرآن نیز شاهد آورده است به اینکه «لولا اینها هم الرابون و الاحبار»؛ و کلمه «ربانی» در این آیه به همان معنای «عالم بالله» است و تنها در لفظ با یکدیگر متفاوتند.»

شوون و اختیارات ولی فقیه، ص ۶۴

### اختیارات حاکم اسلامی

این بحث از مباحث مهم ولایت فقیه است چراکه فقهاء عظام جملگی بر ولایت فقیه اتفاق دارند و اما اینکه حدود این ولایت تا چه میزان است اختلافاتی وجود دارد.

اینک دیگر بر کسی پوشیده نیست که بر اساس نظریه ولایت مطلقه فقیه که قانون اساسی جمهوری اسلامی به آن تصریح است و امام را حلال در زمان حیات برابر خویش در مواقع متعدد با بیانات خویش بدان تصریح نمودند، تمام شوونی که مربوط به حکومت و امور عامه مسلمین است محدوده نفوذ حکم ولی فقیه را تشکیل می دهد. البته چارچوب اجرائی این اختیارات در ارتباط با قوای سه گانه نظام، در قانون اساسی تبیین و تشریح شده است. آنچه در اینجا می توانیم بدان اشاره کنیم اینست که «مصالح کلی مسلمانان» در عصر غیبت همانطور که علت نیاز به حکومت اسلامی می باشد، ملاک و مناط دایره اختیارات ولی فقیه را به دست می دهد، بر این اساس هر آنچه که مصلحت جامعه اسلامی بر ضرورت آن متعین است، همان دامنه اختیار و نفوذ حکم ولایت فقیه را تشکیل می دهد:

«این نکته را باید بیفزاییم که حاکم جامعه اسلامی می تواند در موضوعات، بنابر مصالح کلی مسلمانان یا بر طبق مصالح افراد حوزه حکومت خود، عمل کند. این اختیار هرگز استبداد به رأی نیست، بلکه در این امر مصلحت اسلام و مسلمین منظور شده است. پس، اندیشه حاکم جامعه اسلامی نیز، همچون عمل او، تابع مصالح اسلام و مسلمین است.»

چنانچه در گفتار فوق مشاهده می کنیم مصالح مورد نظر در اصل مربوط به عموم مسلمانان است، خواه مسلمانان حوزه حکومتی و یا بیرون از آن؛ چنانچه سیره امام راحل (ره) در برخورد با مسائل جهان اسلام بدان شهادت می دهد بنابراین می توان گفت حیطة اختیار و نفوذ کلمه ولی فقیه به امتداد مصالح عموم و به موازات آن سعه و بُرد داشته و متناسب با قدرت او در تمام اقطار جهان اسلام قابل انتشار است.

### حکومت اسلامی

یکی از سؤالاتی که در طرح حکومتی اسلام و نظام ولایت فقیه معمولاً مطرح و احياناً با هاله ای از ابهام معرفی می شود، نقش مردم در حکومت، انتخاب حاکمان و اداره جامعه است. چون بنای این نوشتار بر اختصار و اقتصار است، این بخش را نیز کوتاه برگزار می کنیم. آنچه مسلم است در حکومت اسلامی مردم نه تنها منفعل و معزول نیستند بلکه نقش مهمی بر عهده ایشان است؛ چنانچه در نظام حکومتی ما مردم، رهبر را بطور غیر مستقیم و رئیس جمهور و نمایندگان مجلس را با آراء مستقیم خود انتخاب می کنند. اینک در صدد بیان مکانیزم این نقش و نحوه دخالت مردم در اداره حکومت نیستیم بلکه مهم اینست که جایگاه مردم را در اندیشه امام (ره) بازشناسیم. سیره عملی امام (ره) و اقوال و سخنان متعددی که از ایشان صادر شده و به یادگار مانده است، جملگی دال بر آنست که حکومت اسلامی صدرصد یک حکومت مردمی است. حکومتی است که به هیچ وجه با استبداد رأی و خودسری نمی سازد، نظامی است که علاوه بر آنکه مردم را موضوع حکومت می داند در عین حال ولی نعمت حاکمان معرفی می کند و فلسفه حکومت را ارائه خدمت به این مردم می داند، و از همه اینها بالاتر رأی مردم را میزان می داند. گمان نگارنده بر اینست که می توان حکومت اسلامی را یک حکومت «الهی - مردمی» دانست؛ یعنی این حکومت از یک سو مشروعیت الهی و دینی، و از دیگر سو مقبولیت و پذیرش مردمی دارد. به عبارت دیگر می توان گفت حکومت اسلامی اولاً و اصالتاً بر مشروعیت الهی تکیه دارد و ثانیاً و بالتبع بر پذیرش مردمی و مقبولیت عامه متکی است.

برای اینکه مراد نگارنده از مفاهیم بالا روشن شود توضیحاتی عرض می شود: حکومت - چنانچه پیش از این گذشت - حق خداست نه هیچ فرد یا گروهی و نه حتی عامه مردم و توده انسانها، بنابراین حکومتی که صرفاً متکی به آراء مردمی باشد بدون آنکه نه در قوانین آن و نه در شرایط حاکمان، دین یا قانون الهی لحاظ شده باشد بدون شک از هیچ مشروعیتی برخوردار نیست حتی اگر به اتفاق آراء همه مردم به تصویب رسیده باشد. اما در عین

حال عینیت دین یا قانون آسمانی و اجراء آن توسط حاکم اسلامی در گرو همراهی و هماهنگی و معاضدت مردم است چه در غیر اینصورت حکومت اسلامی از قوه خارج نشده و به فعلیت در نمی آید. بنابراین مردم با موافقت خویش با فقیه جامع الشرائط و قرار گرفتن در راستای اهداف او باعث تحقق حکومت اسلامی می شوند و به میزان همین فعلیتی که در گرو حضور مردم است می توان برای آنها در مشروعیت حکومت نقش قائل شد با این تفاوت که این مشروعیت تبعی و در مقام تحقق و فعلیت حکومت است و الا چنانچه مکرراً تأکید شد تنها خداست که حق قانونگذاری و حکومت دارد. بنابراین اگر حکومتی را فرض کنیم که یکی از این دو پشتوانه را از دست دهد، یعنی یا مبتنی بر قوانین اسلامی نباشد و حاکمی عادل و اسلام شناس در رأس آن نباشد، یا اینکه پشتوانه مردمی را از دست بدهد فاقد مشروعیت و مجوز بقای حیات خواهد بود. در انتها به دو نمونه، یکی از تاریخ صدر اسلام و یکی هم از زمان پیروزی انقلاب استشهد می شود:

۱. پس از مرگ عثمان هنگامیکه مردم به سوی علی علیه السلام هجوم آوردند، حضرت در توجیه پذیرش حکومت چنین فرمود: «لولا حضور الحاضر و قیام الحجّة بوجود الناصر و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقارّوا علی کفّة ظالم و لاسبب مظلوم لألقیت جلیها علی غاربها و لسقیت آخرها بکأس اولها و لألقیت دنیاکم هذه ازهد عندی من عطفة عنز».

نهج البلاغه - خطبه ۳

«اگر حضور این حاضران و قیام حجت به سبب وجود یاوران نبود، و اگر چنین نبود که خداوند از عالمان پیمان ستانده که بر شکمبارگی ستمگر و گرسنگی مظلوم آرام و قرار نداشته باشند؛ هر آینه مهار شتر خلافت را بر کوهانش انداخته و آخرش را به کاسه اولش سیراب می نمودم و می یافتید که این دنیای شما در نزد من از عطفه بزی بی ارزش تر است.»

امام علی علیه السلام حضور حاضران را که دلیل بر وجود یاورانی بر اقامه حکومت عادلانه است در کنار پیمانی که خداوند از علماء گرفته، از دلایل پذیرش حکومت دانسته اند. و عیناً به همین دلیل نبود یاوران معتنا به - سایر امامان علیهم السلام موفق به تشکیل حکومت نشدند.

۲. امام راحل (ره) هنگامیکه در ۱۲ بهمن به ایران پا نهادند در نخستین سخنرانی که در بهشت زهرا ایراد کردند طی نطق پرشوری فرمودند: «من بواسطه اینکه ملت مرا قبول دارد دولت تعیین می کنم.» در اینجا نیز مشاهده می کنیم که پشتوانه رأی ملت از جانب امام مجوز تأسیس دولت اسلامی قلمداد شده است.

در پایان متذکر می شود که این مختصر با قلت بضاعت نویسنده جز اینکه بهانه ای برای یاد کرد امامت و مدخلی برای طرح اندیشه های امام از رهگذر درج مکتوبات مستقیم ایشان باشد، ادعائی افزون به همراه ندارد.